

فهم نظام معنایی شهروندان تهرانی از مفهوم حریم خصوصی

دکتر سید حسن حسینی^۱ و شهلا تیمورنژاد^۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۵

چکیده:

این مطالعه کیفی، با هدف فهم نظام معنایی شهروندان تهرانی از مفهوم حریم خصوصی به انجام رسیده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، نظریه داده بنیاد به عنوان یکی از روش‌های اصلی پژوهش کیفی است. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه عمیق و شیوه نمونه‌گیری هدفمند - نظری با چهل و دو نفر از شهروندان مرتبط گردآوری و جهت تحلیل داده‌ها از پنج شیوه کدگذاری باز و تشخیص مفاهیم، توسعه مفاهیم در جهت ابعاد و ویژگی‌ها، تحلیل داده‌ها برای زمینه، وارد نمودن فرایند به تحلیل و یکپارچه‌سازی مقولات استفاده گردید. پارادایم ظهور یافته شامل سه بعد شرایط، کنش - تعامل‌ها و پیامدها است که بر مبنای نتایج پژوهش در بعد شرایط شامل (کشف ابعاد حریم خصوصی، فرایندهای تحول آفرین، محدودیت‌های تحمیلی سبک زندگی) و در بعد کنش - تعامل (چالش‌های حفظ حریم خصوصی، بازاندیشی و بازتعریف حریم‌ها) و در بعد پیامدها (ناکارآمدی نهادی در صیانت از حریم‌های وضع شده، تفسیر نامتجانس حریم خصوصی در فضای عمومی) است که حول یک مقوله هسته به نام (حریم خصوصی با مرزهای سیال در جامعه کثرت‌قواره ایرانی) شکل گرفته‌اند.

مفاهیم کلیدی: حریم خصوصی، روش نظریه داده بنیاد، شهروندان تهرانی

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) shhoseini@ut.ac.ir
^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران shahla.teymournejad@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

درک درستی از مرزهای حریم خصوصی میان زنان و مردان وجود ندارد و با توجه به اتکای بر عرف در ترسیم حدود آن، طبعاً اختلاف تفسیر در این زمینه بسیار است. از این رو، به رغم آگاهی از اهمیت رعایت حریم خصوصی در رابطه اشخاص با یکدیگر و باور بسیاری از مردم به الزام در به رسمیت شناختن آن، مؤلفه‌ها و نمودهای رفتاری رعایت حریم خصوصی به وضوح شناسایی نشده‌اند؛ و گفتگو درباره آن میان بسیاری همسران به مثابه یک چالش پیوسته در جریان است. در نقطه مقابل نیز شماری از افراد با اتکای به همین ابهامات، اظهار می‌دارند که در بین زن و شوهر و یا اعضای یک گروه حریم خصوصی وجود ندارد یا نباید وجود داشته باشد. در یک تعریف متداول عرفی، حریم خصوصی، قلمرویی از زندگی شخص و محدوده‌ای از عقاید، احساسات، رفتارها و ویژگی‌های هر گروهی است که برای دیگر اعضا آشکار نباشد یا علیرغم آشکار بودن، از افشای آن راضی نباشد و در مقابل ورود و نظارت دیگران به این محدوده واکنش نشان می‌دهد. این موضوع اهمیت کنکاش در نظام معنایی اشخاص و همچنین مذاقه در میان نسل‌های مختلف را جهت آشکارسازی و کشف این حریم نشان می‌دهد. در یک تعریف متداول، حریم خصوصی، همان فاصله‌ای است که ما با دیگران در عرصه‌های مختلف رعایت می‌کنیم و دلمان نمی‌خواهد وارد آن شوند؛ مانند اطلاعات، احساسات، رازها و چیزهایی که می‌خواهیم برای خودمان بماند و در یک قاب شیشه‌ای به معرض نمایش نگذاریم. باور به تخصیص وقت شخصی بدون ایجاد چالش از سوی دیگران، تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی، اعتیادها، گرایش‌های خاص اخلاقی نمونه‌هایی از موارد مورد توجه مردم در ترسیم مرزهای حریم خصوصی‌اند. زنان و مردان حریم خصوصی را به مثابه یک منطقه ممنوعه پرسش تعریف می‌کنند و از توضیح درباره آن خودداری می‌کنند. با این همه، و با وجود قائل شدن به این حریم، میان زندگی‌های مشترک تفاوت در دامنه و ابعاد این حریم آشکار است. از این منظر حریم، امری نسبی و دامنه مقوله‌های آن وسیع و متنوع است. همچنین دامنه حساسیت افراد نسبت به حفظ و صیانت از مرزهای این حریم نیز متفاوت است و تا حدود زیادی این امر به اهمیت مصادیق مورد چالش قرار گرفته از سوی دیگران بستگی دارد. به عبارت دیگر و اصولاً همان‌طور که دامنه حریم، متفاوت است، میزان سختی مرزها نیز متفاوت است. آنچه که در خصوص حریم خصوصی افراد در جامعه ایران نیز نیازمند مطالعه و کنکاش بیشتری است درک و تفسیر کنشگران، چگونگی معنابخشی آنها و همچنین کنش - کنش متقابل آنها در خصوص پدیده حریم خصوصی است. زیرا حریم خصوصی به‌عنوان

ساخت و سازی فرهنگی در عرصه اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته و گواه این مدعا پژوهش‌های بسیار اندک در این حوزه از منظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مطالعات زنان و خانواده است. در حالی که اهمیت شناخت و آگاهی نسبت به نظام معنایی^۱ کنشگران این عرصه برای سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و مدیران حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی در امر برنامه‌ریزی به گونه‌ای است که می‌توان گفت بهترین قوانین حقوقی، امکانات، روش‌ها، منابع و سایر تسهیلات بدون توجه به این نظام معنایی، ناکارآمد و غیراثربخش خواهند بود. تحقیق انجام گرفته با مدنظر قرار دادن تفسیر مشارکت‌کنندگان تهرانی و تمرکز بر فرهنگ حریم خصوصی به‌عنوان واقعیتی که توسط آنان ساخت و ساز می‌شود و از نظر آنها دارای معناست سعی در فهم نظام معنایی آنان پیرامون حریم خصوصی را داشته است. نظام معنایی که لایه‌های تودرتویی از تجارب کنشگران در موقعیت‌های مختلف را به همراه دارد و کشف مدل پارادایمی آن می‌تواند برای تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران حوزه اجتماعی و فرهنگی یاری بخش باشد. به‌ویژه آنکه این نظام معنایی و عوامل اثرگذار بر آن به اندازه کافی شفاف و روشن نیست یا به‌عبارت دیگر تفسیر دقیقی از نظام معنایی زنان و مردان در رابطه با پدیده حریم خصوصی مستندسازی و احصا نشده است و اکنون فرصتی شد که با استفاده از رویکرد تفسیری و روش‌شناسی کیفی پژوهش (روش نظریه زمینه‌ای) ضمن واکاوی معنای حریم خصوصی نزد زنان و مردان شهر تهران، نشان داده شد این افراد چه درک و تفسیری از حریم خصوصی دارند و نظام معنایی آنها در خصوص پدیده حریم خصوصی حول چه مفاهیمی شکل گرفته است. در نهایت نیز به منظور ارائه الگویی مشخص و قائم به واقعیتی خاص، مدل پارادایمی^۲ فرهنگ حریم خصوصی نزد این افراد با مد نظر قرار دادن سه مؤلفه اصلی شرایط (علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای)، استراتژی‌ها (عمل - تعامل) و پیامدها آشکار شده است.

در این پژوهش بررسی، درک، تفسیر و فهم تجربه مشارکت‌کنندگان از حدود حریم خصوصی و مؤلفه‌های آن، آن‌طور که توسط زنان و مردان تحت مطالعه روایت شده است، در ابعاد مختلف مد نظر قرار گرفته است لذا از این رهگذر فهم معنا و فرایند شکل‌گیری تجربه ایجاد و حفظ حریم خصوصی مهیا گشت. تجربه‌ای که بطور روزمره در تعامل با الگوهای قدرت و در جریان روابط اجتماعی و همچنین دوران زندگی مشترک و تأهل شکل

¹ meaning system

² paradigmatic model

گرفته است. استفاده از روش نظریه داده بنیاد^۱ این امکان را مهیا کرد که موضوع حریم خصوصی در بستر یک فرایند بررسی شود و شرایط^۲ مؤثر بر آن، کنش - کنش متقابل^۳ افراد درگیر و پیامدهای^۴ آن در ابعاد فردی و اجتماعی و در یک توالی نسلی دیده شد. فرصتی که روش‌های کمی پیشین در اختیار پژوهشگران قرار نداده بودند و با بهره‌گیری از روش کیفی می‌توان امیدوار به رفع این خلأها بود. به عبارت دقیق‌تر، تمرکز این پژوهش بر فهم معنای حریم خصوصی و کشف فرایند شکل‌گیری آن در زندگی اجتماعی و میان مشارکت‌کنندگان از طریق مصاحبه و کسب تجربه ساکنین، مشاهده میدانی، و بررسی اسناد و مدارک احتمالی است. بنابراین در همین راستا سؤالات اصلی پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- دینفعان پدیده حریم خصوصی فرایند شکل‌گیری آن را چگونه تفسیر می‌کنند و این تفسیر حول چه مفاهیمی شکل می‌گیرد؟
- ۲- شرایط مؤثر بر شکل‌گیری این تجارب مرتبط با حریم خصوصی کدامند؟
- ۳- کنشگران در جریان زندگی روزمره و در رابطه با پدیده حریم خصوصی چه کنش - تعامل‌هایی دارند؟
- ۴- پیامدهای این شرایط و عمل - تعامل‌ها چه مواردی هستند؟

پیشینه پژوهش

برای شناخت پدیده در ابتدا در تطبیق با روش‌های رایج، پژوهش‌های انجام شده قبلی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. پژوهش‌های انجام گرفته در ایران تعداد و دامنه وسیعی نداشته‌اند و هنوز این موضوع برای بسیاری ناشناخته است و اظهارات درباره حریم خصوصی به‌ویژه در نهاد خانواده و روابط خانوادگی به‌طور صریح بیان نشده‌اند، لذا تحقیقات بسیار اندکی درباره حریم خصوصی انجام شده است. مرور تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که موضوع حریم خصوصی کمتر مورد توجه قرار گرفته و عمدتاً این موضوع در قالب کنترل کردن همسر، سلطه، و محدود کردن آزادی همسر مطرح شده است. به‌علاوه، عمده تحقیقات انجام شده مربوط به «مفهوم فقهی و حقوقی حریم

¹ grounded theory

² condition

³ action/interaction

⁴ cosequences

خصوصی» و «حریم خصوصی در رسانه‌ها» است. در این بخش به برخی از تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته خواهد شد.

الف) تحقیقات داخلی

«تبیین فقهی، حقوقی حریم خصوصی خانواده»، عنوان پایان‌نامه‌ای است که والی، ۱۳۹۵، بدان پرداخته است. در این تحقیق به بیان حدود و چارچوب حریم خصوصی در خانواده و دلایل نقلی و روایی و قانونی برای اثبات حریم خصوصی، پرداخته شده است. از جمله موارد مطروحه، حریم خصوصی زوجین، و حریم خصوصی کودک است. میرزازاده و عظیم‌زاده (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دلایل لزوم حمایت کیفری از حریم خصوصی خانواده»، به طرح این پرسش پرداخته‌اند که "با لحاظ کردن حقایق موجود، دلایل علمی امتزاج حقوق کیفری با خانواده چیست و مبتنی بر کدام دلایل می‌توان این ارتباط را موجه، عقلانی و ضروری دانست؟" نتایج حاصل و یافته‌های پژوهش، آن است که دلایل متعددی، حمایت حقوقی کیفری از خانواده را ضروری می‌سازد که اصلی‌ترین آنها عبارت‌اند از: لزوم اهتمام به اهداف حقوق کیفری به نحو مطلق از منظر فقه و قانون، وجود مسؤولیت نهی از منکر در خانواده، لزوم حمایت از کرامت ذاتی فرد و کلیت خانواده توسط حکومت اسلامی، مشکک بودن و نامقدر بودن مفهوم آزادی در فهم عرفی، وجود تدبیر تضمینات کیفری در حمایت از فرد و خانواده در شرع و لزوم عقلی اجرای آنها در هنگام اطاعت از شارع. این مقاله در قالب سه گفتار کلی، به روش توصیفی و تحلیلی نگارش یافته است.

هدف اصلی نگارش مقاله آن بوده است که با توجه به مقدمات مطرح شده یعنی خصوصی بودن خانواده، خارج بودن از نظارت و با نگاهی بر نقش منحصر به فرد دولت یعنی این که متصدی حوزه خصوصی و متصدی تحقق و اجرای احکام اجتماعی شریعت نیز دولت است، به بررسی برخی از دلایل ضرورت همنشینی و ارتباط تنگاتنگ اما محدود حقوق کیفری با خانواده پرداخته شده است.

واعظی و علی‌پور (۱۳۹۹)، در مقاله خود موازین حاکم بر حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. تجزیه و تحلیل قانون و نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که مقنن قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مدنی، قانون امران به معروف و ناهیان از منکر، قوانین مرتبط با فضای سایبر و نگارش سایر قوانین خاص حفاظت و حراست از حریم خصوصی را سرلوحه کار خود قرار

داده است، ولی با این وجود در برخی قوانین رعایت حریم خصوصی با خدشه مواجه است و تعارضاتی بین قانون و مفهوم حریم خصوصی وجود دارد. حمایت اساسی از حریم خصوصی نیازمند یک قانون منسجم و مستقل است و تأکید قانون‌گذار مبنی بر اینکه قوانین مغایر با قانون خاص حریم خصوصی فاقد اعتبار می‌باشد. فقط در این صورت است که می‌توان از حریم خصوصی به معنای واقعی حمایت کرد. البته نباید در رابطه با حریم خصوصی دچار افراط و تفریط شد و حریم خصوصی را به‌عنوان وسیله و دست‌آویزی برای اضرار به حقوق عمومی و امنیت جامعه قرار داد و در نگارش قانون خاص حریم خصوصی این تعادل باید لحاظ شود.

ب) تحقیقات خارجی

Stutzman, & et. al. 2012 در مقاله‌ای با عنوان «حریم خصوصی در تعاملات: بررسی افشاء و سرمایه اجتماعی در فیس‌بوک»، روابط بین دغدغه‌های حفظ حریم خصوصی کاربران فیس‌بوک، استراتژی‌های حفظ رابطه، و نتایج سرمایه اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش پیمایش با ۲۳۰ نفر نمونه مورد مطالعه بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رفتارها و نگرانی‌های مربوط به حفظ حریم خصوصی افشاء‌سازی‌هایی را در فیس‌بوک پیش‌بینی می‌کند، اما نه برداشتها و ادراکات مربوط به سرمایه اجتماعی. علاوه بر این، زمانی که به دنبال عوامل پیش‌بینی کننده سرمایه اجتماعی هستیم، ما اثرات متقابل تعامل بین ترکیب شبکه کاربران و استفاده آنها از جنبه‌های حریم خصوصی را تشخیص می‌دهیم.

Moreno, & et. al. 2014 در تحقیقی «نگرش زنان بزرگسال جوان نسبت به حفظ حریم خصوصی آنلاین در دو مقطع زمانی» را مورد مطالعه قرار داده‌اند. ریسک‌های مرتبط با استفاده نوجوانان از اینترنت شامل در معرض اطلاعات نامناسب قرار گرفتن و نقض حریم خصوصی است. انتظارات و سیاست‌های حریم خصوصی در طول زمان تغییر کرده است. آخرین تغییرات تنظیمات امنیتی فیس‌بوک این ریسک‌ها را افزایش داده است. هدف این مطالعه، بررسی نگرش‌ها و تجارب مرتبط با ایمنی اینترنت و حفظ حریم خصوصی در بین زنان جوان در دو مقطع زمانی در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ بوده است. در این تحقیق دو موج از فوکوس گروه انجام شده، یکی در سال ۲۰۰۹ و دیگری در سال ۲۰۱۲. هدف تحقیق بررسی نگرش‌ها و تجارب مرتبط با ایمنی اینترنت و حفظ حریم خصوصی در بین زنان جوان در دو مقطع زمانی در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ بوده است. در این تحقیق دو موج از

فوکوس گروپ انجام شده، یکی در سال ۲۰۰۹ و دیگری در سال ۲۰۱۲. در طول این مصاحبه‌های متمرکز، دانشجویان زن دانشگاه در مورد خطرات و استراتژی‌های امنیتی اینترنت و حفظ حریم خصوصی بحث کردند. تحلیل کیفی فوکوس گروپ‌ها در پایان هر موج انجام شده و مرور و در یک تحلیل مجزا با استفاده از متد مقایسه مداوم ترکیب شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع، ۴۸ زن در دو موج شرکت داشتند. تم‌های استخراج شده عبارت‌اند از: اسطوره‌های شهری فراوان، مثل توانایی برای شرکت‌ها برای دسترسی به اطلاعات خصوصی؛ اهمیت فیلتر کردن اطلاعات نمایش داده شده افراد؛ و حفظ محدودیت‌های سنی در رسانه‌های اجتماعی برای جلوگیری از حضور نوجوانان در فیس‌بوک. یافته‌ها تصویر پیچیده‌ای نشان می‌دهند از اینکه چگونه نوجوانان به حفظ حریم خصوصی و ایمنی آنلاین می‌نگرند. جوانان قدیم ممکن است سهم ارزشمندی در ترویج استفاده از اینترنت امن و متناسب با سن برای نوجوانان فعلی در چشم‌انداز در حال تغییر حریم خصوصی داشته باشند.

Thon and Jucks, 2014 «تنظیم حریم خصوصی در ارتباطات آنلاین بین فردی:

نقش خود افشاسازی» عنوان تحقیقی است که بدان پرداخته‌اند. ایجاد حریم خصوصی تقاضای کلیدی در ارتباطات آنلاین بین فردی است. چگونه افراد حریم خصوصی‌شان را از طریق خود افشاسازی در مورد مخاطبان خاص و میدان‌های حریم خصوصی تنظیم می‌کنند؟ سؤالی است که در این تحقیق مطرح شده است. ۱۵۷ نفر در این مطالعه شرکت داشتند. نتایج نتایج تحقیق نشان داد که شرکت‌کنندگان از میزان حریم خصوصی در زمینه و بستر و میدان آگاه، و به خودافشاسازی مخاطبان حساس هستند. با این حال، آنها رفتار ارتباطی‌شان را با این آگاهی وفق نمی‌دهند. محققان به این نتیجه اکتفا کردند که آگاهی از حریم خصوصی لازم است، اما برای تنظیم حریم خصوصی کافی نیست.

نقد و بررسی پژوهش‌های پیشین

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که تحقیقات فراوانی در زمینه حریم خصوصی در ایران و جهان انجام شده و تلاش‌های ارزشمندی در جهت تبیین حریم خصوصی در کشورهای مختلف از جمله ایران صورت گرفته است. با این وجود تاکنون تحقیقی در زمینه شکل‌گیری فرایند حریم خصوصی از منظر جامعه‌شناختی با رویکرد کیفی و نظریه زمینه‌ای انجام نشده و اکثر تحقیقات انجام شده در مورد حریم خصوصی از منظر فقه و حقوق است. عمده موضوعات مورد توجه محققان شامل، «مفهوم فقهی و حقوقی حریم

خصوصی»، «حریم خصوصی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی»، «حریم خصوصی آنلاین» و تحقیقاتی در حوزه «حریم خصوصی در فضاهای شهری» بوده است. از جمله: (Travers, 1984) and (Chan, 2001) quoting (Peek Cho, 2013); (Fahi, 1995); (Chan, 2000); (Peyk Cho, 2013), (Hosseinzadeh, 1390); (Mir 2013). Khoshti, 1392).

عمده تحقیقات انجام شده در ایران نیز بر رویکرد فقهی و حقوقی به مفهوم حریم خصوصی متمرکز بوده‌اند. از جمله: (Alipour, 2007); (Ameri, 2009); (Naqibi, 2011); (Pourabdollah and Jilzadeh, 2014); (Wali, 2016); (Mirzazadeh and Azimzadeh Ardabili, 2017); (Naqibi, 2011); (Pourabdollah and Smith, 1969); and (chamacham, 2015); (Jilzadeh, 2015); (Wali, 2014). نیز به مطالعه مفهوم حریم خصوصی در فضای شهری پرداخته‌اند. بخش اعظم مطالعات انجام شده داخلی و خارجی مربوط به حفظ حریم خصوصی در فضای شبکه‌های اجتماعی است. مطالعات خارجی مرتبط اشاره شده در این تحقیق عبارت است از: (Stotsman et al., 2012); (Moreno et al., 2014); (Thun and Jacks, 2014); (Child et al., 2015).

از منظر روش‌شناختی نیز تحلیل مطالعات پیشین نشان می‌دهد بیشتر این پژوهش‌ها با روش پیمایش انجام شده‌اند و از روش کیفی بطور عام و روش نظریه داده بنیاد به‌طور خاص استفاده نشده است.

با در نظر گرفتن این موضوع که طی دهه‌های گذشته، جامعه ایران تحولات اجتماعی و تغییرات محسوسی را از منظر تکنولوژی و فناوری و همچنین سبک زندگی از سرگذرانده؛ ضروری است موضوع حریم خصوصی و تغییرات آن در ابعاد مختلف و با توجه به نسل‌ها مورد توجه قرار گیرد.

چارچوب مفهومی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف ذکر شده، و ضرورت تبیین موضوع از منظر مشارکت‌کنندگان و فهم نظام معنایی آن‌ها پیرامون حریم خصوصی و همچنین تعداد اندک پژوهش‌های انجام شده پیشین، بهره‌گیری از روش نظریه داده بنیاد این فرصت را فراهم کرده است که تفسیر مشارکت‌کنندگان از موضوع مورد مطالعه کشف شود. روش‌های کمی و کیفی تمایزهای فلسفی و پارادایمی قابل توجهی با یکدیگر دارند و به علت همین تفاوت جهت‌گیری‌ها در پژوهش‌های کیفی به جای استفاده از چارچوب

نظری از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤال یا سؤالات پژوهش استفاده می‌شود. بنابراین عدم تمایل رویکرد کیفی به بهره‌گیری از نظریه و مفاهیم موجود در تحقیق، ریشه در عنصر پارادایمی تبیین دارد (Iman, 2008: 114).

اهمیت مطالعه نظریات و رویکردهای مطرح شده در هر زمینه این است که می‌تواند یاری‌رسان پژوهشگر در فهم روابط پیچیده دنیای پیرامون باشد. اگر چه بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نظریات در روش نظریه داده بنیاد همواره با این ملاحظه همراه است که فرصت ظهور داده‌ها و کشف متأثر از تحمیل نظری قرار نگیرد. با این وجود حساسیت نظری در این زمینه اجتناب‌ناپذیر است. در مطالعه حریم خصوصی و به روش نظریه داده بنیاد و متأثر از مقولات ظهور یافته پنج رویکرد هویت مکان و محله^۱، حکمرانی خوب^۲، سبک زندگی و مصرف^۳، دیدگاه‌گیدنز درباره خانواده با محوریت رابطه ناب^۴، فرهنگ شهروندی^۵ و در نهایت نظارت^۶ برای تبیین مفاهیم و مقولات ظهور یافته مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱- دیدگاه‌های هویت مکان و محله در بردارنده موضوع پیوند افراد انسان و مکان هستند و در سال‌های اخیر مورد توجه طیف وسیعی از متفکران و پژوهشگران جغرافیا، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی، مردم‌شناسی و دیگر زمینه‌های علمی قرار گرفته است. در دیدگاه این متفکران، وقتی از هویت مکان سخن گفته می‌شود در واقع معیارهایی همچون رضایت‌مندی از سکونت، آگاهی و شناخت از محیط، دلبستگی به محیط و مواردی از این دست مدنظر است.

۲- رویکرد حکمرانی خوب به فرآیندهایی مربوط می‌شود که به وسیله آنها حاکمیت و کارکردهای بخش عمومی در جامعه اعمال می‌گردد، به‌ویژه اختیار بخش عمومی برای برنامه‌ریزی و اجرای خط‌مشی‌ها و راهبردهایی که مربوط به توسعه و کاهش فقر یا مؤثر در آن هستند (Hams Otto, 2002: 123). در تعریف جدید حکمرانی فقط شامل بازیگران و نهادهای دولت نمی‌شوند. در این تعاریف به نقش شبکه‌ها در تعقیب اهداف مشترک متمرکز شده‌اند که ممکن است درون حکومتی یا درون‌سازمانی یا فراملی باشند و

¹ sense of belonging to the place and protect the identity of residential units in the urban area

² good governance

³ consumption and lifestyle

⁴ giddens's concept of pure relationship

⁵ citizenship culture

⁶ surveillance

یا می‌توانند شبکه‌هایی برای اعتمادسازی و ایجاد روابط متقابل و متقاطع میان دولت و جامعه باشند (Midari, 2002: 194).

۳- دیدگاه‌هایی که به موضوع سبک زندگی و فرهنگ می‌پردازند از این منظر که مصرف نظامی است که آرایش نشانه‌ها و تمامیت گروه را تضمین می‌کند. از این‌رو، همزمان نظام ارزش‌ها (ایدئولوژی)، نظام ارتباطی، و ساختار مبادله است. گردش، خرید، فروش، و تملک کالاها، اشیاء، و نشانه‌ها امروزه زبان و رمزگان اجتماعی را تشکیل می‌دهند که کل جامعه از طریق آنها به برقراری ارتباط می‌پردازد و سخن می‌گوید. بنابراین Baudrillard (2000, 107) نه تنها به وجه نمادین مصرف، بلکه به نظام‌مند بودن، ایدئولوژیک بودن، و فراگیری آن در سطح جامعه تأکید دارد. (Miles and Miles (2013:10) نیز رویکردی انتقادی به مصرف و به‌ویژه مصرف شهری دارند. آنها معتقدند مصرف‌کنندگان شهری موضوع مصرف شده‌اند و شهر مصرفی صرفاً برای تحقق امیال یک گروه اجتماعی قدرتمند به بهای قربانی شدن گروه‌های اجتماعی فاقد قدرت بر ساخته می‌شود.

۴- دیدگاه گیدنز^۱ درباره خانواده با محوریت رابطه ناب مطرح شده‌اند. گیدنز در دهه ۱۹۹۰ در کتاب پیامدهای مدرنیته و مدرنیته و هویت شخصی و همچنین تغییر شکل صمیمیت به بحث مدرنیته و تأثیرات آن بر حیات فردی و اجتماعی پرداخته است. از نظر (Giddens, 2006: 117) "یکی از ویژگی‌های متمایز تجدد عبارت است از تأثیرات متقابل فزاینده بین دو حد نهایی برون مرزی و درون مرزی، یا به عبارت دیگر، بین تأثیرات جهانی، از یک سو و گرایش‌های درونی از سوی دیگر" همچنین گیدنز در کتاب تغییر شکل صمیمیت^۲، به‌طور ویژه‌ای به موضوع روابط شخصی و بین فردی و تغییرات ویژگی‌ها و کیفیت این روابط در طی دوران اخیر و متأثر از مدرنیته پرداخته است. بنابر نظر گیدنز در دوره ی تجدد متأخر، روابط خصوصی به سمت شکل‌گیری نوعی رابطه به نام "رابطه ناب" در حرکت است. در این بخش، به بیان نظریات گیدنز درباره مدرنیته، دوستی، تغییر شکل صمیمیت و رابطه ناب پرداخته خواهد شد. بنا بر نظر (Giddens, 2006: 189) در حوزه زندگی شخصی، هر چه جامعه پسا‌سنستی توسعه بیشتری یابد، حرکت به سوی آنچه که آن را می‌توان رابطه ناب در روابط جنسی، زناشویی و خانواده نامید، سرعت بیشتری می‌گیرد. گیدنز از چند زاویه به بحث مدرنیته و تغییر شکل صمیمیت و دوستی اشاره کرده؛ از نگاه

¹ Giddens

² the transformation of intimacy (sexuality, love and eroticism in modern societies)

او، روابط شخصی و تغییر شکل صمیمیت، با اعتماد، هویت شخصی و شیوه‌های زندگی ارتباط دارد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۳۶). با توجه به بحث زمینه‌های اعتماد در فرهنگ‌های سنتی و تحلیل آن‌ها در شرایط مدرن به واسطه فاصله‌گیری زمان - مکان و از جاکندگی و گسترش نظام‌های انتزاعی، مکان خصیلتی توهمی یافته؛ به گونه‌ای که روابط و پیوندهای اجتماعی از وابستگی به مکان رها گشته‌اند. همچنین پیوندهای خویشاوندی نیز کم‌رنگ شده‌اند و دیگر حاملان پیوندهای اجتماعی چندان در گستره زمانی - مکانی سازمان یافته نیستند.

۵- دیدگاه نظارت: با گسترش مکانیسم‌های انضباطی، "جامعه انضباطی" پدیدار شد. از نگاه فوکو پیدایش جامعه انضباطی با سه فراگرد کلی همراه بود. اولاً از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، تکنولوژی‌های قدرت انضباطی در زمانی شکل گرفتند که وقوع تحولاتی در جمعیت و در شیوه تولید، زمینه مناسبی برای گسترش تکنولوژی‌های اداره جمعیت و تأمین کارایی برای دستگاه‌های تولیدی فراهم آورده بود، تکنولوژی‌های انضباطی قدرت، در نتیجه فرآیند انباشت سرمایه را پرشتاب کردند. ثانیاً از لحاظ حقوقی و سیاسی تکنولوژی‌های انضباطی در درون ساختارهای حقوقی و سیاسی تعبیه شدند، در پس ظاهر برابری حقوقی، شبکه‌ای از قدرت‌های خرد و کوچک گسترش یافت. روابط قدرت، بنیاد این ظاهر حقوقی را تشکیل می‌دادند و ضامن اطاعت و فرمانبرداری بودند. ثالثاً از لحاظ علمی، با گسترش تکنولوژی‌های انضباطی، روابط متقابل میان اعمال قدرت و تشکیل دانش، افزایش یافت. نهادهای انضباطی دستگاه‌هایی بودند که در آن‌ها روش‌های گردآوری و ایجاد اطلاعات و دانش وسیله‌ای برای اعمال سلطه می‌شد (Dreyfus & et. al, 1997). جوامع انضباطی در تقابل با جوامع مدرن اولیه‌ای قرار دارند که حول محور تمرکز اقتدار در دست حاکمان مطلق سازمان یافته بودند. در این جوامع، نظم اجتماعی را حاکم مطلق حفظ می‌کرد که قدرت گرفتن یا بخشیدن حق حیات یا طلب اطاعت را داشت، قدرت حول سرکوب - توان ساکت، سانسور یا انکار کردن - سازمان یافته است.

جمع‌بندی موارد پنج‌گانه چارچوب مفهومی

در این بخش بر اساس مقوله‌های ظهور یافته در فرایند تحلیل داده‌ها، دیدگاه‌های مرتبط ذکر شده‌اند. منطق بکارگیری دیدگاه‌ها در روش نظریه داده بنیاد بر این اصل استوار است که محقق از پیش نسبت به محدودسازی و تحمیل نظریات بر میدان اقدام نکند و در این زمینه حساسیت نظری داشته باشد. بدین ترتیب و بر اساس مقولات ظهور

یافته پنج رویکرد هویت مکان و محله حکمرانی خوب، سبک زندگی و مصرف، دیدگاه گیدنز درباره خانواده با محوریت رابطه ناب، فرهنگ شهروندی و در نهایت مورد استفاده قرار گرفته‌اند. حکمرانی خوب بیش از همه از وضعیت مسئولیت‌پذیری دولت را در خصوص قواعد حریم خصوصی و تنظیم قوانین مورد بررسی قرار می‌دهد. دیدگاه سبک زندگی و مصرف، دگرگونی‌های سبک زندگی و تأثیرات متقابل میان آن و حریم خصوصی را بررسی می‌کند و دیدگاه شهروندی مجموعه‌ای از نظریات جامعه‌شناسان در ارتباط با حقوق شهروندی را طرح می‌کند. در نهایت و در چارچوب دیدگاه نظارت، نظریات فوکو و باومن در این خصوص ذکر شده است.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر از روش نظریه داده بنیاد^۱ به‌عنوان یکی از روش‌های مهم در پژوهش کیفی استفاده شده است. متناسب تشخیص داده شدن بهره‌گیری از روش نظریه داده بنیاد، به دلیل ماهیت اکتشافی پژوهش است. به‌عبارت دیگر از آنجایی که تاکنون از منظر جامعه‌شناختی پژوهش مرتبگی در این حوزه انجام نشده و همچنین به دلیل اختلاف در تعریف و تفسیر حدود حریم خصوصی، ظرفیت این روش برای استفاده در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت. مزیت استفاده از این روش نسبت به سایر روش‌های پژوهش نیز در این است که امکان تولید و ساخت یک تئوری محدود به واقعیت بر اساس تفسیر مشارکت‌کنندگان را مهیا کرده است. در این روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، همزمان انجام شده است، و گردآوری داده‌ها همراه با تحلیل تا جایی که به مرحله اشباع برسد، ادامه داده شد. تجزیه و تحلیل فرایندی است که با جمع‌آوری اولین قسمت داده‌ها شروع می‌شود و ترسیم بستر جزء اساسی آن به شمار می‌رود (Strauss and Corbin, 2008: 178). به‌طور کلی حرکت به سوی یک نظریه محدود به واقعیت در این رویکرد از پنج مرحله کدگذاری باز و تشخیص مفاهیم^۲، توسعه مفاهیم در جهت ابعاد و

^۱ grounded theory

^۲ open coding: identifying concepts

ویژگی‌ها^۱، تحلیل داده‌ها برای زمینه^۲ وارد نمودن فرایند به تحلیل^۳ و یکپارچه‌سازی مقولات^۴ صورت گرفت.

مشارکت‌کنندگان: جامعه آماری این پژوهش شهروندان تهرانی هستند که تعداد ۴۲ نفر از آنان به‌عنوان نمونه در این تحقیق مشارکت داشته‌اند. مشارکت‌کنندگان این پژوهش ۱۸ و ۱۵ زن بوده‌اند که سن بیش از ۵۰ درصد آن‌ها بیشتر از ۴۵ سال بوده است. همچنین مدرک تحصیلی حدود ۶۰ درصد از مشارکت‌کنندگان فوق دیپلم و کارشناسی بوده است.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

Table 1: Details of Research Participants

ازدواج		تحصیلات			سن			جنس	
Marriage		Education			Age			Sex	
مجرد	متاهل	ارشد و بالاتر	فوق دیپلم و کارشناسی	دیپلم و پایین‌تر	بالاتر از ۴۵	۳۱ تا ۴۵	۱۵ تا ۳۰	زن	مرد
۱۵	۳۱	۳	۲۴	۱۵	۲۲	۱۰	۱۰	۲۴	۱۸

نمونه‌گیری: برخلاف پژوهش‌های کمی که حجم نمونه در آن‌ها تابعی از فرمول است در پژوهش کیفی به‌طور معمول در مقایسه با پژوهش‌های کمی تعداد نمونه کمتری احتیاج است زیرا رسیدن به اشباع به مثابه چراغ سبزی است که به محقق اجازه می‌دهد مصاحبه‌ها را پایان دهد. تعداد نمونه نیز تابعی از وضعیت اشباع است. این نوع نمونه‌گیری دارای خصوصیت انباشتی بوده، مبتنی بر نمونه‌های قبلی و بر مبنای مفهوم «مقایسه» استوار است.

تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها با مدنظر قرار دادن ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در رویکرد سیستماتیک نظریه زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی^۵

¹ developing concepts in terms of their properties and dimensions

² analyzing data for context

³ bringing process into the analysis

⁴ integrating categories

⁵ اگر چه در نسخه ۲۰۱۵ مبنای پژوهش کیفی کوربین و اشتراوس (۲۰۱۵)، مراحل بسط داده شده و به پنج مرحله رسیدند اما کوربین تأکید می‌کند که این پنج مرحله می‌بایست در بستر سه مرحله کدگذاری پیشین درک شوند.

به انجام رسید. در توضیح این سه شیوه کدگذاری می‌توان گفت در مرحله کدگذاری باز پژوهش‌گر بیشتر با مفاهیم سر و کار دارد، کانون اصلی کدگذاری محوری مقولات هستند و در مرحله کدگذاری گزینشی ارتباط بین مقوله‌ها و به‌عبارت دیگر قضایا هستند که بروز و ظهور پیدا می‌کنند. در این پژوهش نیز مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر تحلیل و در مرحله کدگذاری باز، کدها و مفاهیم اولیه استخراج و در مرحله کدگذاری محوری، کدهایی که به لحاظ مفهوم و ویژگی‌ها مرتبط بودند به محوریت یک مقوله اصلی سازماندهی گردیدند.

یافته‌های پژوهش

مفاهیم مربوط به مرحله کدگذاری باز و تشخیص مفاهیم در مراحل تحلیل داده‌ها در جهت مشخص شدن زمینه و فرایند در قالب هفت مقوله عمده مقوله‌بندی و در مرحله کدگذاری گزینشی به استخراج مقوله هسته «حریم خصوصی با مرزهای سیال در جامعه کژقواره ایرانی» منجر شد که مقوله هسته این پژوهش به شمار می‌آید.

جدول ۲: مقولات اصلی و نقش پارادایمی مقولات اصلی

Table 2: The Main Categories and the Paradigm Role of the Main Categories

مقولات اصلی	نقش پارادایمی
<i>Core Category</i>	<i>Paradigm Role</i>
کشف ابعاد حریم خصوصی	شرایط
فرایندهای تحول‌آفرین	شرایط
محدودیت‌های تحمیلی سبک زندگی	شرایط
چالش‌های حفظ حریم خصوصی	کنش - کنش متقابل
بازاندیشی و بازتعریف حریم‌ها	کنش - کنش متقابل
ناکارآمدی نهادی در صیانت از حریم‌ها	کنش - کنش متقابل
تفسیر نامتجانس حریم خصوصی	پیامد

در ادامه به هر یک از این مقوله‌ها و سپس مقوله هسته پرداخته و توضیحاتی در خصوص رابطه این مقوله‌ها با مقوله هسته ارائه گردیده است.

شرایط

Corbin and Strauss, 2015: 184 بر این باورند که شرایط فقط یک بخش از پارادایم هستند که در پاسخ به پرسش‌های چرا، چگونه و چه وقت می‌آیند. شرایط در هنگام وارد کردن زمینه به تحلیل مورد اشاره قرار می‌گیرند و به دو نوع کلان و خرد قابل تقسیم‌اند. در ادامه توضیحات هر یک از مقولات فرعی و اصلی مربوط به شرایط بر اساس تفسیر مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود:

۱- کشف ابعاد حریم خصوصی: حریم خصوصی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق بشری دارای ابعاد مختلفی است که با حفظ مقام انسان و دیگر ارزش‌هایی که کرامت انسانی را به ارمغان می‌آورد ارتباط تنگاتنگی دارند و مانع از آن می‌شود که اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی به وسیله‌ای برای اعمال سلطه و استفاده ابزاری از انسان‌ها تبدیل شود. همچنین این حق ارتباط مستقیمی با آزادی و استقلال انسان و حق تعیین سرنوشت او دارد زیرا فضای لازم را برای رشد و تکامل او فراهم می‌آورد (Ansari, 2007). در این پژوهش کشف ابعاد حریم خصوصی از این روی اهمیت دارد که ابهام بر سر این ابعاد و تعیین حدود و مرزهای مرتبط با آن از ضرورت‌هایی است که به پژوهشگر انگیزه و علاقه انجام پژوهش را داده است، دیگر آنکه اختلاف نظر بر سر موارد شمول این حریم به قدری گسترده است که پژوهشگران مختلف دسته‌بندی‌های متفاوتی را در این زمینه ارائه داده‌اند. ابعاد حریم خصوصی بر مبنای تحلیل داده‌ها و تفسیر مشارکت‌کنندگان پژوهش متشکل از مقوله‌های فرعی «حریم جسمانی، معنوی»، «حریم اطلاعات و ارتباطات»، «حریم اماکن و اموال» هستند.

۲- فرایندهای تحول‌آفرین: فرایندهای تحول‌آفرین روند پدیده‌ها را در یک سطح کلان متأثر می‌کنند و به شرایط کلان و ساختاری اشاره دارد که بر کنش - کنش متقابل مشارکت‌کنندگان تأثیر داشته‌اند. شرایط کلان همان مواردی هستند که خارج از اراده افراد هستند اما به گونه‌ای اثرات خود را بر جای می‌گذارند که مشارکت‌کنندگان را از نظر نگرش به جهان پیرامون، ایستارها و ارزش‌ها در وضعیت جدیدی قرار داده‌اند. فرایندهای مذکور کیفیت شخصیت کنشگران را متأثر کرده‌اند و بدین ترتیب دغدغه‌ها، مطالبات و حساسیت‌های جدیدی را برای آنان ایجاد کرده‌اند. بسیاری از موضوعات واجد اهمیت برای مشارکت‌کنندگان که اینک در ردیف حریم خصوصی او قرار می‌گیرند تا پیش از اعمال نقش ساختاری و مواجهه با این فرایندها، احتمالاً واجد ارزش خاصی نبودند و مورد اعتنا قرار نمی‌گرفتند یا اصلاً موضوعیت توجه پیدا نمی‌کردند. با در معرض این شرایط قرار

گرفتن مشارکت‌کنندگان، با هدف مدیریت اوضاع و یا انطباق با شرایط جدید راهبردهایی متعددی را بکار گرفته‌اند. این راهبردها و استراتژی‌ها شامل طیف وسیعی از اقدامات بوده است که در این پژوهش فقط موارد منطبق بر خط داستان رصد شده‌اند. در نتیجه شرایط ذکرشده، برخی مشارکت‌کنندگان سعی کردند حریم خصوصی خود را هر چند زیرساخت‌های متناظر آن در جامعه ایجاد نشده باشد حفظ کنند، مثلاً در واکنش به نشانیدن دو مسافر در صندلی جلو برخی تاکسی‌ها در مقطع زمانی دهه‌های پیش، برخی از مسافران از سوار شدن بر خودرو امتناع می‌کردند و تن دادن به این کنش را نقض حریم خصوصی خود می‌دانستند؛ و یا با ورود تلفن همراه به جامعه و گسترش کاربرد آن دنیای درون آن به مثابه حریم خصوصی کدگذاری شد و اغلب افراد با ایجاد رمزهای ورود به مثابه گیت‌های ورودی استفاده از آن را در انحصار خود قرار دادند و محتویاتش را از چشمان نزدیک‌ترین افراد حتی در خانواده در امان نگه داشته‌اند. این شرایط کلان متشکل از مقوله‌های فرعی «گسترش سواد عمومی»، «شهری شدن شیوه زیست»، «تحولات تکنولوژیک» و «تفکیک کار و زندگی از هم» هستند.

۳- محدودیت‌های تحمیلی سبک زندگی: سومین مقوله کشف شده از داده‌ها «محدودیت‌های تحمیلی سبک زندگی» می‌باشد و ناظر بر این معناست که مشارکت‌کنندگان به سبب برخی شرایط محدود کننده مجبورند برخی الزامات محیطی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی را بپذیرند و خود را با آن وفق دهند که این انطباق ابعادی از حریم خصوصی آنها را نقض می‌کند و یا به شکل غیر مستقیم زمینه آن را مهیا می‌کند. این مقوله اصلی دارای سه مقوله فرعی «تراکم فزاینده فضایی»، «انباشت نامتوازن خدمات در محلات شهری» و «مصرف انبوه و راززدایی» است.

استراتژی‌ها یا کنش - تعامل‌ها

مهم‌ترین استراتژی‌ها یا عمل - تعامل مشارکت‌کنندگان در رابطه با پدیده حاشیه‌نشینی قابل تقسیم‌بندی به سه دسته کنش - تعامل است. کنش - تعامل‌ها دومین دسته‌بندی مهم از پارادایم را می‌سازند. کنش - تعامل پاسخ‌های عینی (واقعی) افراد یا گروه‌ها به رخدادها یا موقعیت‌های دشوار زندگی است (Corbin and Strauss, 2015: 216).

۱- بازاندیشی و بازتعریف حریم‌ها: پنجمین مقوله کشف شده از داده‌ها «بازاندیشی و بازتعریف مرزها» می‌باشد؛ و در این پژوهش بدین معناست که مشارکت‌کنندگان با هدف

انطباق با شرایط جدید و همچنین بهبود و ارتقا کیفیت زیست خود و همچنین کاهش آلام ناشی از نقض حریم خصوصی‌شان از حضور در جامعه اقدام به بازاندیشی در حقوق و حریم خود می‌کنند. این کنش نوعی خود حمایتی است و نیز ناظر بر این معناست که کنشگران متأثر از ارتقا کیفیت آموزش و دیگر فرایندهای تحول‌آفرین قصد بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های پیش آمده را دارند. این مقوله اصلی دارای سه مقوله فرعی «اعمال تکنیک‌های صیانت از خود»، «عقب‌نشینی تاکتیکی از برخی حریم‌ها» و «گذار از حقوق محلی به حقوق بین‌المللی» است.

۲- چالش‌های حفظ حریم خصوصی: چهارمین مقوله کشف شده از داده‌ها «چالش‌های دیجیتال حفظ حریم خصوصی» می‌باشد. امکانات و فرصت‌هایی که در بستر فناوری‌های نوین ایجاد شده مناسبات اخلاقی و عرفی ما را تحت تأثیر خود قرار داده است و این امکان را به کاربران داده که خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و بر این اساس با دریافت لایک و کامنت‌های تحسین‌برانگیز، بر احساس دیده نشدن چیره شوند و تنهایی را کمتر احساس کنند. احساس خوشایندی که نوعی مکانیزم داوطلبانگی در نقض حریم یا مهیا کردن زمینه‌های نقض آن را به تصویر می‌کشد. این فقط یک بعد از چالش‌ها در مسیر حفظ و صیانت از حریم خصوصی است. این مقوله اصلی دارای چهار مقوله فرعی «تجربه شکاف دیجیتال میان نسلی»، «کلبه‌های خانوادگی الکترونیک»، «فردیت مخدوش»، «پرسه‌زنی‌های مجازی» و «جدال‌های آفلاین دنیای روزمره» است. در توضیح این مقوله اصلی و پس از ارائه یک نمونه از فرایند شکل‌گیری مقوله فرعی و اشباع مفاهیم، فرایند توسعه مفاهیم ذکر شده در جهت ویژگی‌ها و ابعاد بر مبنای ظهور مقولات فرعی گزارش می‌شود. سپس زمینه نیز وارد تحلیل می‌شود تا مشخص گردد شرایط مرتبط با هر یک از مقولات چگونه بوده است. در ادامه فرایند متمرکز بر کنش - کنش متقابل اندیشیده شده یا سرزده از کنشگر، و پیامدهای واقعی و یا احتمالی آن مورد توجه قرار می‌گیرد.^۱

۳- ناکارآمدی نهادی در صیانت از حریم: ششمین مقوله کشف شده از داده‌ها «ناکارآمدی نهادی در صیانت از حریم» می‌باشد. در این پژوهش ناکارآمدی نهادی به معنای بی‌توجهی ساختارهای حاکمیت، نهادها و قانون‌گذاران به فرایند حفظ و تثبیت حریم خصوصی، نگاه تکنوکراتیک و از بالا به پایین به آنان و عدم پاسخگویی در برابر انتخاب و بکارگیری استراتژی‌های صیانت از خود از سوی مشارکت‌کنندگان است.

^۱ این فرایند برای همه مقولات اصلی بعدی نیز به همین شکل انجام شده است و به دلیل رعایت اصل اختصار و پرهیز از اطناب از تکرار این مقدمه برای سایر مقولات اصلی خودداری شده است.

مشارکت‌کنندگان بر این باورند در بسیاری از زمینه‌ها هیچ نشانی از مدیریت جریان حفظ حقوق و حریم افراد توسط نهادها و سازمان‌های مستقر در جامعه دیده نمی‌شود. مقوله اصلی دارای دو مقوله فرعی «دولت در مقام ناقض حریم خصوصی» و «الگوی حکمروایی کم توجه» است.

پیامدها

پیامدها خروجی‌های واقعی یا احتمالی کنش/تعامل هستند. به‌ویژه آنکه افراد همیشه به فکر عواقب کارهایشان هستند. وقتی این مورد را در نظر گرفتند از بین گزینه‌های مختلف با در نظر گرفتن کنش/تعامل دست به انتخاب می‌زنند. بعضی اوقات این خروجی‌ها خود نوعی احتمال‌اند. بعضی وقت‌ها هم خروجی‌ها آن‌گونه که ما انتظار داریم اتفاق نمی‌افتند و کنشگر مجبور است کنش/تعامل خود را با شرایط جدیدش وفق دهد (Corbin and Strauss, 2015: 228).

۱- فهم نامتجانس از حریم خصوصی: هفتمین مقوله کشف شده از داده‌ها «تفسیر نامتجانس از حریم خصوصی در فضاهاى مختلف» می‌باشد. در این پژوهش فهم نامتجانس به معنای عدم وفاق در تعریف بر سر حریم‌هاست که سبب آشفتگی و سردرگمی کنشگران در موقعیت‌های مختلف روزمره می‌شود. چه اینکه در نقش همسر در درون خانواده به ایفای تکالیف خود بپردازند و یا به‌عنوان همسایه درون آسانسور همسفر موقت فرد ناشناخته‌ای باشند. مقوله اصلی دارای دو مقوله فرعی «چالش مستمر درون خانواده‌ها»، و «منازعات خیابانی حفظ حریم» است.

مقوله هسته‌ای

برای حرکت به سمت یکپارچه‌سازی مقولات، مشخص کردن مقوله هسته ضروری است (Ibid: 294). وقتی که پژوهشگر در نظر دارد به سمت یکپارچه‌سازی مقولات حرکت کند، لازم است مقوله هسته را مشخص کند. این انتخاب، گام نخست یکپارچه سازی مقولات است (Ibid: 298). در این پژوهش با هدف مشخص کردن مقوله هسته‌ای که مضمون اصلی پژوهش است، با انجام مقایسه‌های فراوان و کند و کاو در مصاحبه‌ها، در نهایت مقوله هسته نهایی پژوهش تحت عنوان «حریم خصوصی با مرزهای سیال در جامعه کژقواره ایرانی» شکل گرفت.

مشارکت‌کنندگان چه متأثر از تکانه‌هایی که شرایط عادی زندگی‌شان را بر هم زده و مختل کرده بود و چه به علت چالش‌های برخط و برون‌خط پیش روی زندگی روزمره‌شان در حفظ و نگهداشت حریم خصوصی‌شان چندان موفق نبوده‌اند. وقتی منابع تهدید کننده و نقض‌کننده این حریم در فرهنگ عمومی متکثر باشد و سیستم حکمرانی توان دفاع و محافظت از حقوق شهروندی را نداشته باشند کنشگران باید بطور پیوسته انرژی مضاعفی برای جبران این دشواری‌های حفظ حریم بکار گیرند. البته همه دلایل آشفتگی وضعیت پیش آمده در ارتباط با حریم خصوصی را صرفاً نمی‌توان از منظر عوامل بالا دید بلکه باید سهم ناپایداری و سیالیت روابط اجتماعی و کیفیت دائماً متغیر آن‌ها را نیز در این عدم توافق بر سر ماهیت، مرزها و ضرورت‌های التزام و پایبندی به آن‌ها را مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر هم در سطح عاملیت و هم در سطح ساختار و فرهنگ عمومی عوامل برهم زننده و مختل‌کننده‌ای فعال هستند که سبب نقض حریم خصوصی می‌گردند، که رفع آن‌ها بدون التفات به تنوع منابع تولید کننده میسر نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به پارادایم پژوهش، مجموعه‌ای از عوامل و شرایط در فرایند شکل‌گیری تجربه کنونی شهروندان تهرانی پیرامون حریم خصوصی که مقوله هسته آن «حریم خصوصی با مرزهای سیال در جامعه کژقواره ایرانی» است ایفای نقش کردند که سبب بکارگیری استراتژی‌های کنش - کنش متقابل از سوی مشارکت‌کنندگان با هدف مدیریت چالش‌ها و کوشش برای تحقق اهداف پیش رو شده‌اند. اتخاذ استراتژی‌های مختلف کنش - کنش متقابل نقطه پایان فرایند مرتبط با تجربه نقض/بی‌توجهی به حریم خصوصی نبوده بلکه انتخاب و بکارگیری استراتژی‌های مختلف، پیامدهای متفاوتی را نیز برای ذینفعان شامل کنشگران و دولت به جای گذاشته است.

بر مبنای دیدگاه مشارکت‌کنندگان، مهم‌ترین مقوله‌های ظهور یافته این پژوهش شامل فرایندهای تحول‌آفرین، محدودیت‌های تحمیلی سبک زندگی، چالش‌های حفظ حریم خصوصی، بازاندیشی و بازتعریف حریم‌ها، ناکارآمدی نهادی در صیانت از حریم‌های وضع شده و تفسیر نامتجانس حریم خصوصی در فضای عمومی است.

در میان عوامل ذکر شده، برخی در نقش پارادیمی شرایط قرار دارند و مجموعه این شرایط و عوامل در فرایند شکل‌گیری و تثبیت وضعیت کنونی حریم خصوصی مؤثر واقع شده‌اند و مشارکت‌کنندگان و کنشگران ذینفع را متقاعد و یا مجبور به اتخاذ راهبردهایی

با هدف مدیریت چالش‌ها و یا تعقیب اهداف کرده‌اند که عبارتند از: چالش‌های حفظ حریم خصوصی، بازاندیشی و بازتعریف حریم‌ها. این راهبردهای کنش - کنش متقابل هر یک در ارتباط با مرحله مشخصی از فرایند اساسی شکل‌گیری تجربه حریم خصوصی‌اند.

از میان موضوعات مرتبط با حقوق بشر، شاید دشوارتر از همه تعریف «حریم خصوصی» باشد که هنوز تعریف روشن و مشخصی از آن ارائه نشده است. محدثه (۵۶) ساله، معلم) در این باره می‌گوید:

« خودروی مرا بی‌هیچ دلیل واضحی پلیس توی جاده تفتیش کرد. من موندم حق اینکارو داشت یا نه».

حریم خصوصی همچون مفاهیمی مانند عدالت، امنیت، اخلاق و ... بار ارزشی داشته و مفهوم آن بستگی به فرهنگ و انتظارات فرهنگی جوامع دارد و ممکن است تحت تأثیر افکار عمومی، تصمیمات قضایی، تکنولوژی‌های جدید و عوامل دیگر تغییر کند. بنابراین ماهیت حریم خصوصی از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت است؛ چه بسا یک موضوع در یک جامعه نقض حریم خصوصی به شمار آید در حالی که در جامعه دیگر رابطه نامشروع جنسی تلقی شده، قابل مجازات باشد. صادق (۶۴) ساله، بازنشسته) تجربه خود را در این باره چنین بیان می‌کند:

«تفاوت فرهنگ خیلی روی این مسئله تأثیرگذاره، من رفته بودم سفر خارجی، اونجا سیستم سرویس بهداشتی و حموم ورزشی‌شون طوریه که کاملاً برخلاف فرهنگ ماست. اینجا باشه می‌گیم نقض حریم افراد شده اما اونجا عادیه».

علاوه بر مسئله کشف معنا و ابعاد حریم خصوصی، این موضوع متأثر از فرایندهای تحول‌آفرین نیز بوده است، فرایندهایی که روند پدیده‌ها را در یک سطح کلان متأثر می‌کنند و به شرایط کلان و ساختاری اشاره دارد که بر کنش - کنش متقابل مشارکت کنندگان تأثیر داشته‌اند. شرایط کلان همان مواردی هستند که خارج از اراده افراد هستند اما به گونه‌ای اثرات خود را بر جای می‌گذارند که مشارکت‌کنندگان را از نظر نگرش به جهان پیرامون، ایستارها و ارزش‌ها در وضعیت جدیدی قرار داده‌اند. رحمت (۵۹) ساله) با اشاره به اینکه سواد یکی از این فرایندهاست می‌گوید:

« قبلاً که مردم سواد نداشتن خیلی حق و حقوق هم تو چشم‌شون نبود. اهمیت نداشت. سطح زندگی‌شون نمی‌خواست بعضی حقوق رو».

علاوه بر گسترش سواد عمومی، شهری شدن شیوه زیست و تفکیک کار و زندگی نیز اثرات قابل توجهی بر تفسیر و ادراک شهروندان و همچنین وضعیت رعایت حریم خصوصی در جامعه داشته است.

محدودیت‌های تحمیلی سبک زندگی سومین مقوله اصلی ظهور یافته به‌عنوان یکی از شرایط مؤثر بر حریم خصوصی است. بر اساس تفسیر مشارکت‌کنندگان تراکم فزاینده فضا از مقوله‌های اصلی ظهور یافته در ارتباط با محدودیت‌های تحمیلی سبک زندگی در فرایند شکل‌گیری تجربه حریم خصوصی است.

یکی دیگر از مقولات اصلی ظهور یافته بر مبنای تفسیر مشارکت‌کنندگان چالش‌های حفظ حریم خصوصی است. برخی از این چالش‌ها به کنشگری‌های روزمره افراد در دنیای آنلاین و برخی دیگر به کشمکش‌ها، اختلاف نظرها و دغدغه‌های مشارکت‌کنندگان در زندگی روزمره آنلاین اشاره دارند. آنلاین شدن زندگی روزمره و پیوند عمیق فعالیت افراد با اینترنت، یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر زندگی در ایران است. طبق تفسیر مشارکت‌کنندگان پژوهش از دیگر مقوله‌های مرتبط با حریم خصوصی سیال در بستر فرهنگ دائماً در معرض تغییر، مقوله بازاندیشی و بازتعریف حریم خصوصی است. چنین بازاندیشی نتیجه گذار جامعه از سنت به مدرنیته و یا حداقل فرار گرفتن در مسیر نوسازی و دگرگونی‌های مرتبط با آن است. میان سنت، فرهنگ، ارزش‌ها، زیربنا و ساختارهای موجود جامعه ایران با مدرنیزاسیون و عقبه آن (مدرنیته) نوعی ناسازگاری وجود داشته و دارد. بدین معنا که مدرنیزاسیون و حتی جهانی‌شدن از نوعی فلسفه و فکری برخاسته‌اند که آن فلسفه و رویکرد ذهنی با رویکرد ذهنی جامعه ایران همخوانی ندارد. از این‌رو میان مدرنیزاسیون و حتی جهانی‌شدن با اقتدار و مشروعیت سنتی تعارض و ضدیت وجود دارد. بدین معنا که مدرنیزاسیون (نوسازی) و ارزش‌های حاکم بر آن در مواردی باعث تضعیف و تزلزل در پایه‌های مشروعیت سنتی و خود سنت و ... جامعه می‌گردد.

یکی دیگر از مقولات اصلی کشف شده این پژوهش ناکارآمدی نهادی در صیانت از حریم است. در این پژوهش ناکارآمدی نهادی به معنای بی‌توجهی ساختارهای حاکمیت، نهادها و قانون‌گذاران به فرایند حفظ و تثبیت حریم خصوصی، نگاه تکنوکراتیک و از بالا به پایین به آنان و عدم پاسخگویی در برابر انتخاب و بکارگیری استراتژی‌های صیانت از خود از سوی مشارکت‌کنندگان است. در چند دهه گذشته، مفاهیم حکمرانی و حکمروایی خوب به بخش مهمی از ادبیات توسعه اقتصادی تبدیل شده است.

References:

- Ansari, B. (1998). Privacy Law, Tehran: Samt Publications. (Persian).
- Ansari, B. (2005). "Protection of Privacy in Islam, and Iran's Legal System (Comparative Study)", *Private Law Studies*, (66), 1-54. . (Persian).
- Corbin, J. & Strauss, A. (1998). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Corbin, J. & Strauss, A. (2008). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Corbin, J. & Strauss, A. (2015). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J. W. (1998). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five traditions*. CA: Sage.
- Dolatabadi, Y. (1991). *Hayat Yahya*, Tehran: Attar Publishing. (Persian).
- Dolatabadi, Y. (1992). *Hayat Yahya*. Tehran: Attar Publishing. (Persian).
- Dreyfuss, H., Rabino, P. (2000). *Michel Foucault, beyond structuralism and hermeneutics*, translated by Hossein Bashirieh. Tehran: Ney Publishing. (Persian)
- Dreyfuss, H., Rabino, P., M. Foucault (2000). *Ultrastructuralism and Hermeneutics*, translated by Hossein Bashirieh.
- Giddens, A. (2003). *Beyond Left and Right*, Mohsen Thalasi. Scientific publication.
- Giddens, A. (2005). *Consequences of Modernity*, Mohsen Thalasi, Third Edition, Tehran. Publication Center. (Persian).
- Giddens, A. (2006). *Modernity and Personalization*, Nasser Movafghian, Fourth Edition, Tehran, Ney Publishing.
- Hams-Otto, "Human Right and Good Governance" Mrtimus Nijhoff, Publishers, Hague, Kluwer Law, 2002.
- Iman, M. (2009). *Paradigmatic Principles of Quantitative and Qualitative Research Methods in the Humanities*, Qom: Domain and University Research. (Persian).

Jalayeepour, H. R.; M., Garamian (2001). "A glance at modernity in Iran from the perspective of personal relationships: A study of Giddens' notion of "pure relationship", *Journal of Social Sciences Ferdowsi University of Mashhad* 8, 1. (Persian).

Katou Zian, H. (2005). *Democracy, arbitrary rule and the popular movement of Iran*, Third Edition, Tehran. Publication Center. (Persian).

Maidari, A. (2004). *Good Governance*, Development Foundation, Tehran, Parliamentary Research Center. (Persian).

Malekzadeh, M. (1995). *History of the Iranian Constitutional Revolution*, Tehran: Scientific Publications, Fourth Edition. (Persian).

Mirzazadeh, Z. and Azimzadeh Ardabili, F. (2015). "Study of the reasons for the need for criminal protection of family privacy", *Jurisprudence and Family Law (Nedaye Sadegh)*, Vol. 21, No. 64, pp. 31- 57. (Persian).

Moreno, Megan A; Kelleher, Erin; Ameenuddin, Nusheen and Rastogi, S. (2014). "Young Adult Females' Views Regarding Online Privacy Protection, at Two Time Points", *Journal of Adolescent Health*, 55, p 347-351.

Rahimi, M. (1998). *The Constitution of Iran and the Principles of Democracy*, Fourth Edition, Tehran: Diba Publications, 70-69. (Persian).

Siddiq, I. (1978). *History of Iranian Culture from the Beginning to the Present Age*, Tehran: University of Tehran Press.

Stutzman, F.; Vitak, J., Ellison, Ni. B.; Gray, R. and Lampe, C. (2012). *Privacy in Interaction: Exploring Disclosure and Social Capital in Facebook*, Proceedings of the Sixth International AAAI Conference on Weblogs and Social Media.

Thon, F. M. and Jucks, R. (2014). "Regulating privacy in interpersonal online communication: The role of self-disclosure", *Studies in Communication Sciences*, 14, p 3-11.

Vaezi, S., Alipour, S. (2010). "A Study of Legal rules of Privacy and its Protect in Iranian Law", *Private Law*, 7(17), 133-163. (Persian).

Wali, M. (2016). "Jurisprudential, Legal Explanation of Family Privacy", Master Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Semnan University. (Persian).

Understanding the Semantic System by Tehrani Residents from a Private Spacial Perception

Seyed Hassan Hosseini (Ph.D)¹, Shahla Teymournejad²

DOI: 10.22055/QJSD.2023.33592.2230

Abstract:

This qualitative study was conducted with the aim of understanding the semantic system by Tehrani residents from a private spacial perception. The method used in this research is the Grounded Theory as it is one of the main methods in qualitative research. The data of this study was collected through in-depth interviews and theoretical-purposeful sampling method with forty-two related residents and for analyzing data, five methods of open coding and recognition of concepts, development of concepts in terms of dimensions and characteristics, data analysis using grounded theory, inserting the process into the analysis, and integration of categories were used. The emerging paradigm consists of three dimensions of conditions, actions-interactions, and consequences which are based on the results of research in terms of dimensions involving (discovery of privacy dimensions, the transformational processes, the imposed limitations of lifestyle), in actions-interactions (the challenges of privacy, reconsideration, and redefinition of privacies), and in consequences dimension (institutional inefficiency in protecting the established privacies, incongruent interpretation of privacy in public areas) which revolves around a core category called (privacy with fluid boundaries in Iranian suspended society).

Key Concepts: *Private Special Perception, Grounded Theory, Tehrani Residents*

¹ Associate professor, sociology department, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author), shhoseini@ut.ac.ir

² Doctoral student in sociology, Tehran University, Tehran, Iran, shahla.teymournejad@gmail.com



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).